فهرست

[موضوع: تفسیر تربیتی/ مقدمات 2](#_Toc165393577)

[پیشگفتار 2](#_Toc165393578)

[مقام سوم: پاسخ به چند سؤال 2](#_Toc165393579)

[نکته اول 2](#_Toc165393580)

[نکته دوم 3](#_Toc165393581)

[نکته سوم 3](#_Toc165393582)

[نکته چهارم 3](#_Toc165393583)

[احتمالات در سؤال حاصر 3](#_Toc165393584)

[احتمال اول 3](#_Toc165393585)

[احتمال دوم 3](#_Toc165393586)

[جواب سؤال اول 4](#_Toc165393587)

[اقسام وضع 5](#_Toc165393588)

[یک راه دیگر 6](#_Toc165393589)

[سؤال دوم 8](#_Toc165393590)

# موضوع: تفسیر ترتیبی/ مقدمات

# پیشگفتار

در حروف مقطعه اطلاعات عمومی وجود داشت که حدود ده مطلب بود و بعد از آن هم بیش از بیست احتمالی که در تفسیر حروف مقطعه بود اشاره شد و گفتیم چند سؤال راجع به حروف مقطعه وجود دارد آن‌ها را پاسخ بدهیم.

پس دو مقام را پشت سر گذاشتیم یکی اطلاعات عمومی درباره حروف مقطعه بود و مقام دیگر بیان احتمالاتی بود که از تفاسیر و از تسنیم نقل کردیم

# مقام سوم: پاسخ به چند سؤال

یک سؤال جدی و اساسی آن است که حروف مقطعه از محکمات است یا از متشابهات است یا خارج از اینهاست؟

توضیح سؤال واضح است که در آیات قرآن تقسیمات متعددی وجود دارد و یکی از تقسیمات خیلی جاافتاده و مطرح در متن آیات قرآن، تقسیم آیات قرآن به محکمات و متشابهات است که در آیه شریفه ۷ سوره آل‌عمران هست که ملاحظه کردید و از آیات مشهور است. أعوذ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ

**﴿هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتَابَ مِنْهُ آیَاتٌ مُحْکَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتَابِ وَ أُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ﴾** و در ادامه ویژگی متشابهات را بیان کرده است، **﴿فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِیلِهِ وَ مَا یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَ مَا یَذَّکَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾**[[1]](#footnote-1)

این آیه شریفه مبنای آیات قرآن به محکمات و متشابهات است، اولین سؤال در این مقام سوم این بود که این حروف مقطعه و گسسته قرآن که در تعدادی از سور قرآن که در ابتدای بیست‌ونه سوره قرار گرفته است، نسبتشان با این تقسیم چیست؟

در بررسی مسئله چند نکته را باید مرور بکنیم.

## نکته اول

این است که این تقسیم معانی مختلفی دارد و نظرات مختلفی درباره آن آمده است اما نظر جاافتاده آن چیزی است که در غالب کتب تفسیری آمده است که اگر مورد اتفاق نباشد مورد توجه غالب مفسرین است و آن اینکه منظور از محکم و متشابه دلالت‌های واضح و دلالت‌هایی که دارای اجمال و ابهام هست، یعنی چیزی مدلول دارد اگر این مدلول واضح است و دچار اجمال و ابهام نیست، محکم می‌شود و اگر در مدلول اجمال و ابهامی وجود دارد و نیازمند به مراجعه به آیات دیگر برای رفع ابهام و اجمال است یا احیاناً باید قبول کرد ولو اجمال آن قابل رفع نباشد. این فی‌الجمله نظر اکثریت در تفسیر محکم و متشابه است.

البته در این که متشابه علی الاطلاق هست یا نیست مورد اختلاف است، کسانی گفته‌اند متشابه علی الاطلاق وجود دارد و بعضی گفته‌اند خیر، متشابهات با ارجاع به محکمات رفع تشابه می‌شود این یک بحث است که در جای خود به آن پرداخته می‌شود.

## نکته دوم

این است که یک آیه علی الاطلاق یا محکم است یا متشابه؟ یا اینکه با نگاه‌ها و نسبت‌های مختلف یک آیه می‌تواند محکم باشد و متشابه باشد. این سؤال دیگری است که وجود دارد. این‌جور نیست که آیه‌ای محکم باشد در همه جهات و آیه دیگر متشابه باشد در همه جهات. ممکن است در یک آیه جهت تشابه و جهت إحکام وجود داشته باشد.

آنچه عجالتاً در رابطه با این سؤال مطرح است این است که ظاهر غالب تفاسیر این است که احکام و تشابه در همان مدالیل است باید مدلولی در کار باشد تا احکام و تشابهی بر آن عارض بشود.

## نکته سوم

یک مطلب دیگر که در این آیه ۷ سوره آل‌عمران باید پاسخ داده شود این است که این تقسیم حاصر است یا حاصر نیست؟

**﴿أَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتَابَ مِنْهُ آیَاتٌ مُحْکَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتَابِ وَ أُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ﴾** این سؤال است که تقسیم حاصر است، تمام قرآن تقسیم به محکم و متشابه می‌شود یا حاصر نیست؟ این هم یک سؤال جدی در آیه شریفه است.

## نکته چهارم

این است که آیات در اینجا مقصود همین تقطیعی است که با آن انس داریم، آیات محکمات، همان آیه به آیه به معنای متعارف و مشهور است.

# احتمالات در سؤال حاصر

اگر این نکات را بپذیریم در سؤال حاصر و غیر حاصر دو احتمال را باید توجه کرد.

## احتمال اول

این است که این تقسیم حاصر است، یعنی کل آیات به دو قسم تقسیم می‌شود همه آیات یا باید محکم باشد، یا متشابه، چیزی خارج از این دو نیست

## احتمال دوم

در نقطه مقابل ممکن است کسی احتمال بدهد **﴿آیَاتٌ مُحْکَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتَابِ وَ أُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ﴾** این غالب بیان می‌کند و حاصر نیست.

احتمال دوم ضعیف است و ظاهر همان احتمال اول است که **﴿أَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتَابَ مِنْهُ آیَاتٌ مُحْکَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتَابِ وَ أُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ﴾** برخی از آن‌ها این‌طور است و برخی آن‌طور، به عبارت دیگر حصر ظاهر آیه است.

منتهی این حصری که از آیه استفاده می‌کنیم مدلول وضعی یا دلالت وضعی نیست از اطلاقی این حصر فهمیده می‌شود این حصر مانند سایر مدالیل دو جور می‌شود از دلیل استفاده کرد گاهی دلیل بالوضع حصر را می‌رساند، «انما» با ادات حصر وضع استفاده می‌شود و گاهی حصر با ادات استفاده نمی‌شود بلکه با اطلاق و امثال اینها از ظهورات غیر وضعی استفاده می‌شود.

آن که اینجا وجود دارد این است که ظاهر حصر است اما نه حصری که اینجا ادات حصر داشته باشد و مدلول وضعی باشد بلکه ظاهراً مدلول اطلاقی است برای اینکه دارد **﴿أَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتَابَ﴾** ظاهر کتاب اطلاق است یعنی همه کتاب، این اطلاق در کتاب است که همه را می‌گیرد. این واضح است. بعد هم دارد که «منه» ضمیر برمی‌گردد به همان کتاب، یعنی همین کتاب یک بخش آن آیات محکمات است، أُخَر هم یعنی أُخَرُ منه بخش دیگر از کتاب، ظهور این رجوع این دو ضمیر به کتاب علی الاطلاق این است که کل کتاب تقسیم می‌شود و «أو» سومی هم نیاورده است این دو سه نکته را کنار هم که می‌گذاریم یک اطلاق لفظی و مقامی کنار هم قرار می‌گیرد و ظهور در حصر پیدا می‌کند.

پس سؤال این بود که این آیه شریفه که آیات قرآن را تقسیم به محکم و متشابه کرده است حاصر است یا خیر؟ و اگر حاصر است این حصر مدلول لفظی است یا مدلول مستفاد از قرائنی مثل اطلاق و مقدمات حکمت است؟

# جواب سؤال اول

۱- این است که ظاهر حصر است ولی حصر مستفاد از ادات وضع نیست حصر مستفاد از قرائن و مدالیل مثل اطلاق است

۲- قرائن هم اینجا این بود که کتاب اول مطلق است همه قرآن را در برمی‌گیرد بعد هم این دو ضمیر بعدی به کتاب برمی‌گردد علی نحو اطلاق

۳- اینکه دو قسم بیان کرده است یعنی کل کتاب را مطرح کرده بعد دو قسم آورده است ظاهر این است که همه کتاب تقسیم به این دو قسم تقسیم می‌شود مثل اینکه در تقسیمات دیگر هم می‌گوییم الکلمة اما اسم أو حرف او فعل. ظاهر حصر است.

پس دو مطلب اینجا گفتیم اگر آن دو مطلب استفاده بشود آن وقت در بحث ما هم تأثیر می‌گذارد. این دو مطلب این شد که؛

۱- مستفاد از ظاهر آیه ۷ سوره آل‌عمران این است که همه آیات به محکم و متشابه تقسیم می‌شود

۲- اینکه این احکام و تشابه، این دو وصف و ویژگی، ویژگی مدلول آیه است، آیه باید مدلولی داشته باشد.

۳- اینکه حداقل تعدادی از حروف مقطعه آیه مستقله است، غالب اینها آیه مستقله است بعضی دو آیه مستقله است، که حم عسق دو آیه مستقله است بعضی آیه مستقله نیست و جزء آیه است آنجا راهی دارد که این شبهه و سؤال مطرح نشود.

اگر کسی این سه مقدمه را کنار هم بگذارد؛

۱- همه آیات به محکم و متشابه تقسیم می‌شود

۲- احکام و تشابه وصف مدلول است یعنی متوقف بر این است که آیه مدلولی داشته باشد و مدلول هم وضع می‌خواهد

۳- لااقل تعدادی از حروف مقطعه آیات مستقله است

اینها را کنار هم بگذاریم و بپذیریم نتیجه می‌گیریم که این حروف مقطعه امور دارای مدلول باشند.

مدلول هم تابع یک وضعی است باید وضعی در آن وجود داشته باشد

یک مطلبی که به این نتیجه باید افزود این است که مدلول داشتن یک کلمه به وضع است باید وضع داشته باشد.

## اقسام وضع

اما وضع اقسامی دارد

۱- وضع عام که به نحو عموم عرف با عقلا و گویش گران به یک زبان، کلمه‌ای را به نحو وضع تعیینی یا تعینی اختصاص به افاده یک معنایی داده‌اند.

۲- وضع خاص که در اعلام است، در اعلام وضع عرف و عموم عقلا و عرف متکلم به یک زبان نیست، بلکه وضع خاص است، البته این وضع خاص علم غیر از اعلام جنس و اعلام شخصیه است.

وضع گاهی عام است که اسم و فعل و حرف می‌شود و شامل اعلام و اجناس هم می‌شود و یکی وضع اشخاص هست که وضع اعلام شخصیه می‌شود. این دو وضع است که از حیث اینکه واضع کیست الفاظ تقسیم می‌شود.

این وضع خاص که شخصی تعیین می‌کند گاهی علم مرتجل هست و گاهی علم مرتجل نیست گاهی همین‌جوری کلمه‌ای می‌سازد بدون اینکه سابقه‌ای، لاحقه‌ای، معنایی داشته باشد، گاهی این کلمه معنا دارد و آن را وام می‌گیرد حتی با مناسبتی و معنای خاصی برای آن قرار می‌دهد.

حقیقت شرعیه یا متشرعه در وضع عام است برای اینکه مفهوم مفهومی می‌شود که در لسان عمومی می‌آید.

اگر این مقدمات را بپذیریم و بگوییم این حروف (الم) اینها جداست و ترکیب ندارد، مقطعه یعنی ترکیب ندارد، وقتی وارد عرف عام عرب می‌شویم می‌بینیم (الم) نه الف لام میم، این الف لام میم علم است، علمی است که اسم جنس است و وضع عمومی دارد، منتهی حروف مقطعه الف، لام، میم نیست، این قرائت ماست و اسم آن حروف مقطعه است، حرف مقطعه به حمل شایع مسمای الف لام میم است، یعنی همان صوت الم، آن حرف به حمل شایع که ظاهراً همان هم آیه قرآن است، (توجه به این نکته دارید) آن که جزء قرآن است آن الف لام میم به حمل شایع و مسما است، یعنی الم، صوتی که با اینها تولید می‌شود منتهی آن را که می‌خواهیم بخوانیم اسمی دارد، الف لام میم، ظاهراً این‌طور است.

در هر صورت این الف لام میم بنا بر آنچه اینجا گفتیم در عرف عام وضعی برای اینها نیست، معنایی و مدلولی برای اینها قرار داده نشده است.

این مقدمات را اگر بپذیریم باید بگوییم اینها یک مدلولی دارد و مدلول چون وضع عام نیست باید یک وضع خاصی باشد. باید خود خداوند متعال این چهارده حرف را در این بیست‌ونه سوره یک وضع خاصی کرده باشد که آن وقت یک راه این است که اینها را بدون اینکه به هم بچسباند یک ترکیب بدون اینکه تولید اسم بکند، علم قرار داده است. در آن بیست احتمال یکی دو احتمال این بود که اینها علم است یا علم سوره است این همان وضع علم می‌شود. این را خود او در وضع خاص علم قرار داده است.

یا احتمال که از اسرار باشد، اسرار طیفی از احتمالات در آن هست، یکی از احتمالات در سر خاص بودن حروف مقطعه این بود که وضع شده است وضعی که خود خدا می‌داند، یا پیامبر می‌داند، جبرئیل می‌داند ائمه می‌دانند، دایره‌اش تا آنجا که ابلاغ شده است.

الف را وضع کرده است برای این اسرار، لام را برای این اسرار وضع کرده است، این هم یک شکل.

یک احتمال هم این بود که اینها خلاصه باشند یعنی بریده‌ای از یک لفظ کامل باشند، الف، حرف اول الله است مشیر به یک چیزی باشند. علائم اختصاری باشند، علائم اختصاری مدلول دارند منتهی دو مرحله‌ای است، این وضع شده است برای آن لفظی که کامل است، «ا» وضع شده است برای الله و الله هم وضع خود را دارد، این هم با این سازگار می‌شود که مدلول پیدا می‌کند.

تا اینجا حداقل بعضی از آن احتمالات با این سازگار است و می‌شود گفت با این معنا مدلول دارد یا محکم یا متشابه می‌شود.

تا اینجا نقطه عزیمت را این قرار دادیم که

۱- تقسیم به محکم و متشابه وجود دارد

۲- تقسیم حاصر است

۳- این تقسیم در جایی است که وضعی و دلالتی در کار باشد.

آن وقت با بعضی از احتمالات سازگار است. اما اگر بگوییم این به کار می‌برد بدون اینکه هیچ وضعی در این باشد و معنایی در آن مراد باشد با بعضی از احتمالات سازگار نیست ولی خیلی از آن‌ها با توضیحاتی که گفتم سازگار می‌شود.

## یک راه دیگر

این است که بگوییم چیز واضحی داشته باشیم که اینها مدلول ندارد اول کار غرضی دارد که اینها را آورده است، مدلول داشتن غیر از غرض است، آن احتمالی که می‌گوید این را اول آورد که بگوید همین‌هاست که از آن‌ها ترکیب معجزه‌آسا و معجزه‌وار درست کردیم. آنجا غرض دارد ولی نه اینکه اینها را در معنایی استعمال کرده باشد. این دقت را دارید.

بعضی از احتمالات این حروف مقطعه دیگر مدلول وضع شده‌ای ندارد آنچه دارد این است که غرض دارد و خداوند روی غرضی این را به کار برده است و غرض مثلاً آن است که جامعه را مخاطب را بیدار بکند که گوش است، مثل اینکه صوتی تولید می‌کند برای اینکه طرف را از خواب بیدار بکند که حرف را بشنوند. این غرض است ولی وضعی نیست.

یا آنجا که می‌گوید اینها را ببینی، حرف‌های من از همین حرف تولید شده است، قرآن از همین حروف تولید شده است و شما این حروف دستتان هست ولی نمی‌توانید این‌جور تولید داشته باشید این دو سه احتمال مدلول خاصی نیست حتی به نحو وضع خاص ولی غرض هست چیزی در قرآن بدون غرض واضحی به کار نمی‌رود.

اگر کسی این احتمالات قرینه‌ای داشته باشد که متعیناً که این است آن وقت قرینه بگیرد برگردد بگوید این تقسیم آیات به محکمات و متشابهات تقسیم حاصری نیست.

پس دو راه هست، این دو راه باهم تعارض دارد؛

یا باید گفت اینها مدلول دارند و جزء محکم و متشابه هستند

یا بگوییم اگر مدلول ندارند محکم و متشابه تقسیم حاصر نیست.

بین این دو راه تردیدی وجود دارد و به نظر می‌آید آن راه اول اولی است، یعنی ظاهر این آیه شریفه ۷، آل‌عمران این است که همه آیات قرآن به محکم و متشابه تقسیم می‌شود و این ظاهر معنایش این است که همه آیات لااقل آنجا که حروف مقطعه یک آیه مستقل هستند مدلول دارند از این طرف یک نقطه عزیمت نسبتاً جاافتاده از لحاظ قواعد ادبی هست ولی از آن طرف دلیلی داشته باشیم که بگوید حروف مقطعه فقط یکی از آن دو احتمالات است وجود ندارد.

هیچ روایتی که بگوید معنای این حروف این است که معنای آن این است که مردم بیدار باشید و گوش کنید، بگوید مردم همین حروف را به کار بردیم و معجزه آفریدیم، بگوید فقط معنایش این است، این در روایتی نیست.

در روایاتی هست که این معناست، ولی حصر اصلاً در آن نیست، علاوه بر اینکه روایت خیلی محکم نیست.

روایت و دلیل معتبری که بگوید این معنایش اینهاست که مدلول ندارد و غرض دارد و فقط این است وجود ندارد و اگر هم معتبر باشد حصری را افاده نمی‌کند در کنار مدلول این خاصیت هم مورد توجه بوده است هم‌زمان دو سه غرض داشته است.

از این جهت است که شاید بتوان یک دلیلی آورد که این حروف مقطعه معنا دارند، مدلول دارند و وضعی بر اینها حاکم است منتهی وضع عام عربی نداریم باید گفت یک وضع خاصی وجود دارد که با سر بین خدا و رسول خدا بودن با یکی از آن انحا و اشکال بودن سازگار است و یک وضعی بر اینها حاکم است که خدا می‌داند و مخاطبان اصلی به قرآن.

گرچه در جاهایی اشاره شده است به اینکه ممکن است یک سری باشد که حتی پیامبر و ائمه نداند ولی آن معتبر نیست.

پس تا اینجا بعید نمی‌دانیم تقسیم به محکم و متشابه حاصر باشد و همه آیات به نحو مطلق یا به نحو نسبی باید مشمول این باشند و این تقسیم یک مدلول التزامی دارد که همه آیات باید مدلول داشته باشند و این آیات در مواردی حداقل مستقل هستند باید مدلول داشته باشند.

نسبت به آنجا که حروف مقطعه آیه مستقل نیست بلکه جزئی از آیه است آن هم بعید نیست که این استدلال جاری باشد برای اینکه همه کلمات یک آیه باید مدلول داشته باشند، بعید نیست ولی نه به آن محکمی که در کل می‌گوییم.

یا اینکه باید بگوییم قول به فصلی نیست اگر این چند تا که آیه مستقله هستند مدلول دارند این را مطمئن هستیم که بقیه هم مثل این است، بقیه فرقی با این ندارد بخصوص جاهایی که حروف واحدی در یک جایی آیه مستقله است و در جایی جزء آیه است و مطمئن هستیم که این دو باهم فرقی ندارد.

این یک بحث است که در حقیقت تعدادی از آن احتمالات که می‌گوید حروف مقطعه برای این غرض به کار رفته ولی وضعی ندارد، مدلول وضعی ندارد آن‌ها به طور مستقل و حصری نمی‌تواند معنای اینها باشد به صورت ضمنی و بالعرض می‌تواند یک غرض دیگری داشته باشد. یعنی الف، لام میم حتماً معنایی دارد و وضعی بر آن حاکم است منتهی ممکن است در کنار آن یک غرض بالعرضی هم داشته باشد برای بیدار باش دادن، برای توجه دادن که همین حروف است که از آن قرآن را آفریدیم.

همان دو سه احتمال اگر هم مقصود باشد جزء اغراض بالعرض حروف مقطعه می‌شود و الا حروف مقطعه باید معنا داشته باشد.

حتی بعضی احتمالات که می‌گوید بر اساس علم حروف اینها معنا دارد. آن‌ها هم شاید نتواند مستقلاً اینجا باشد چون آن‌ها یک وضع متعارف ندارد. ممکن است بگوییم آن‌ها هم منحصراً نمی‌تواند مقصود باشد.

اگر کسی این استدلال را بپذیرد و بگوید شما در طیف این حدود بیست احتمال که وجود دارد نمی‌توانید بگویید آیه در بعضی احتمالاتی که وضع نیست منحصر بکنید یا باید بگویید آن‌ها از دایره معنا بیرون است و اگر هم هست از اغراض تبعی و بالعرض می‌شود و باید معنای خاصی اینجا مقصود بشود.

خاص و عام چند معنا دارد به این معنا که ما می‌گوییم یعنی واضع مشخصی برای یک موضعی متفاوت از قراردادی است که برای عموم زبان قرار داده می‌شود. البته همین که وضع خاص می‌شود دیگران هم استفاده می‌کنند. یعنی اسم خاص علم شخصی هم که می‌گذارد دیگران هم این را در کاربردشان استعمال می‌کنند مثلاً اسم بچه را گذاشته زید، بعد از اینکه مردم مطلع می‌شوند به او زید می‌گویند. ولی باز علم شخصی است و وضع خاص دارد.

# سؤال دوم

این است که این آیات بنا بر اینکه مدلول دارند و وضعی بر آن‌ها حاکم است و وضع عام عربی هم که ما نمی‌بینیم پس وضع خاصی در آن رابطه خدا و رسول‌خدا و امثال اینهاست.

اگر این باشد، سؤال می‌شود اینها محکم هستند یا متشابه‌اند؟

1. - سوره آل عمران، آیه ۷ [↑](#footnote-ref-1)